



ما برای رهایی خود و سیاره‌مان

به مبارزاتمان علیه واپس‌گرایان مردسالار ادامه خواهیم داد!

بیست و یکمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست در ماه نوامبر ۲۰۱۵ در شرایطی در پاریس برگزار خواهد شد که نابرابری‌های سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی، جهان را در کلیت خود، تبدیل به یک تَلِ باروت کرده است که هر حادثه‌ای انسانی یا زیست‌محیطی می‌تواند آن را منفجر کند. بزرگ‌ترین عوام‌فریبان تاریخ در شرایطی برای «جلوگیری از تخریب طبیعت» دور هم گرد می‌آیند که در نتیجه‌ی کارکرد نظام سرمایه‌داری شاهد نابودی جنگل‌ها، سمی شدن خاک‌ها و آب‌های زیرزمینی، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، انقراض وسیع گونه‌های گیاهی و جانوری، آلودگی هوا، تغییرات وسیع محیط زیست و تبدیل طبیعت به گورستانی از زباله‌های سمی و ... و سقوط بشر در این چرخه‌ی بی‌ بازگشت، هستیم. برای سرمایه‌داری جهانی، طبیعت منبعی است برای غارت و باید در خدمت تولید رشد یابنده، جهت کسب حداکثر سود قرار گیرد.

از جهانی صحبت می‌کنیم که فجایع زیست محیطی و انسانی با سرعت و شدتِ باورنکردنی، در حال گسترش است. جهانی که در آن در حالی که مرزهای دانش بشر از کهکشان‌ها عبور کرده و چشمان بشر سوار بر سیاره‌پیماها به مدد تبدیل‌گران‌ترین انرژی‌ها، میلیون‌ها کیلومتر در کهکشان پیشروی می‌کند؛ زنان و دختران در بسیاری از کشورهای تحت سلطه‌ی امپریالیسم، فقط جهت تهیه‌ی اولیه‌ترین منابع انرژی (ریشه، شاخه‌ها، تنه درختان و تپاله) مجبورند ساعت‌ها و کیلومترها از محل اقامت خود دور شوند؛ و در حالی که برای حفاظت خود از گرما، مین‌گذاری، حمله‌ی مردان و نظامیان و حیوانات وحشی و ... رنج کیلومترها مسیر سخت یا شب‌نوردی را به جان می‌خرند اما باز هم می‌دانند که خطر روبرو شدن یا تجاوز کماکان باقی‌ست. این در حالی است که چشمان بشر پدر/مردسالار «مدرن» عامدانه بر دهشت‌های زندگی اکثریت زنان جهان بسته است.

بله! از جهانی صحبت می‌کنیم که در آن، فوق استثمار، ستم و فرودستی، بردگی جنسی و فیزیکی، خشونت، فقر و گرسنگی اساساً زنانه شده است؛ و علاوه بر آن این سیستم پدر/مردسالار امپریالیستی، وزن اصلی ویرانی زیست‌محیطی که خود اصلی‌ترین مسبب آن است را نیز به دوش زنان انداخته است. زنان در حالی که قربانیان اصلی فقر، جنگ، مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت و ... هستند، قربانیان اصلی «بلاای طبیعی» (طوفان، سیل، زلزله، آتش‌سوزی جنگل‌ها ...) و مخاطرات پس از آن هم هستند که امروز تغییرات آب و هوایی آن را تشدید کرده است و زنان بیش از پیش در معرض سقوط در چرخه‌ی حاشیه‌نشینی، انزوا، بیماری، نگهداری از بیماران و کودکان، تجاوز، تن‌فروشی، افسردگی، ترافیک انسان و بردگی جنسی و ... قرار می‌گیرند.

این درحالی است که حتی بدون تأثیر بلاای طبیعی نیز تقسیم کار جنسیتی، سنگینی کار کشاورزی و برخورد با معضلات تخریب محیط زیست راه بر گرده‌ی زنان گذاشته است؛ به طور مثال در آفریقا که کشاورزی کاملاً زنانه شده است و ۸۰ درصد تولید موادغذایی به عهده‌ی زنان است، ۹۰ درصد کار جمع‌آوری آب و چوب برای خانواده نیز توسط زنان انجام می‌شود.

لازم نیست سوار قاره‌پیما شویم، یک نگاه کوتاه به وضعیت دنیا نشان می‌دهد که قربانیان اصلی تخریب محیط زیست تحتانی‌ترین اقشار در کشورهای تحت سلطه و در بین آنان زنان هستند؛ و سرمایه‌داری تحت گلوبالیزاسیون به طرز وحشیانه‌ای نابرابری و ستمگری را در یک سیستم کلی ادغام کرده است و بدین وسیله، نفس تازه می‌کند. اما هیچ راه برون رفت واقعی از اوضاع کنونی تحت این نظام پدر/مردسالارِ سودمحور موجود نیست.

در جهان امروز در شرایطی به سر می‌بریم که کره‌ی زمین در جاده نابودی موجودات و اکوسیستمی قرار گرفته که با سرعت به نقطه‌ی غیرقابل برگشت نزدیک می‌شود. این احتمال وجود دارد که کره‌ی زمین، به کره‌ای متفاوت از امروز بدل گردد و خود و موجودیت بشر را با مخاطرات جدی روبرو سازد. نمی‌توان از سیستمی که کوچک‌ترین ارزشی برای انسان‌ها قائل نیست انتظار داشت که طبیعت را از نابودی نجات دهد. نمی‌توان از نظامی که بر پایه سود و انباشت سرمایه قرار دارد و موجودیت بشر و کره زمین را به خطر انداخته است توقع داشت که پاسخی به این معضل بدهد. برای حفظ محیط زیست و چاره‌اندیشی در برابر عدم نابودی کره زمین همانند سایر عرصه‌های مبارزه‌ی طبقاتی تنها یک راه موجود است و آن از سر راه برداشتن نظام سرمایه‌داری است که مبتنی بر سود و حرص و آز، سیاره‌ی ما را این چنین در سراشیب نابودی قرار داده است.

به ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری زن ستیز اسلامی نگاه کنیم که چگونه برای تأمین سود و فربه کردن هر چه بیشتر سرمایه‌های خود نه تنها حق زندگی را از میلیون‌ها زن و مرد و کودک گرفته، بلکه طبیعت و محیط زیست را به طور جدی به خطر انداخته است. به طور مثال به دریاچه ارومیه نگاه کنیم که در اثر سیاست‌های این نظام منطقه در بر داشته است. خشک شدن این میلیون انسان را در خطر نابودی قرار داده است.

تأمین منافع خود به تل خاکی مسموم بدل گشته است. در اثر جنگ این دو نیروی هوای سام

مرد و کودک گرفته، بلکه طبیعت و محیط زیست را به طور جدی به خطر انداخته است. به طور مثال به دریاچه قسمت اعظم آن به شوره زار بدل شده است. شوره‌زاری که تأثیرات بسیار مخربی در سلامتی مردم این دریاچه تا کنون نزدیک به چهل روستای اطراف آن را به ویرانه بدل کرده و در نتیجه آن زندگی و در آمد چند به خاورمیانه نگاه کنیم که از سال ۲۰۰۱ تا کنون در اثر جنگ و اشغال‌گری و بمباران توسط امپریالیست‌ها برای است. از دل این خاک مسموم شرایط به وجود آمدن انواع و اقسام نیروهای مرتجع و زن‌ستیز بنیادگرا مهیا شده واپس‌گرا و به شدت زن ستیز، میلیون‌ها انسان در به در و آواره گشته‌اند و آنانی که باقی مانده‌اند حتا از داشتن محروند؛ چه رسد به سیر کردن شکم. شرایط محیط زیست این منطقه به جایی رسیده است که اگر مردم در اثر انقلاب حاکم بر سرنوشت خود شوند صدها سال طول خواهد کشید که خاک این منطقه از آلودگی‌هایی که در نتیجه‌ی بکار برد انواع و اقسام بمب‌های شیمیایی از بین رفته است با سیاست خدمت به بشریت و حفظ محیط زیست بازسازی شود. در این میان زنان این منطقه آسیب‌پذیرترین‌ها هستند. زنانی که با خاکی مسموم و هوایی به شدت آلوده مجبورند کشاورزی کنند؛ و یا برای تأمین اولیه‌ترین نیازهای زندگی تن به ستم و استثمار به شدت بی‌رحمانه بدهند.

به همین دلیل ما زنان دیگر حاضر نیستیم سرنوشت خودمان و سیاره‌ای که از آن ماست را به دست سرمایه‌داران جنگ‌سالار و مردسالار بسپاریم. هر لحظه به ما حقنه می‌کنند که باید بین سرمایه‌داری امپریالیستی و یا بنیادگرایی مذهبی پدر/مردسالار یکی را انتخاب کنیم. اما هیچ یک از این دو پوسیده‌ی مردسالار انتخاب ما نیست. انتخاب ما برگزیدن آن راهی است که نه تنها ما را از ستم و استثمار رها سازد بلکه شرایط واقعی را برای رهایی سیاره مان نیز فراهم سازد.

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - نوامبر ۲۰۱۵

8 March Women's Organisation (Iran-Afghanistan)

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com

<https://facebook.com/8Mars.org>

